ضمیمه ۵

مسیح در مقام هدف و پایان شریعت

ما چطور باید رومیان ۱۰: ٤ را درک کنیم؟ مسیح "هدف شریعت" یا "پایان شریعت" است؟
کلمه یونانی (تِلوس، telos) میتواند هم معنای "هدف" و هم "پایان" را داشته باشد. همچنین کلمه "شریعت" میتواند هم به کل مکاشفه عهد عتیق یا به شریعت موسایی، آنطور که توسط معلمین یهودی توصیف و تفسیر شده، اشاره داشته باشد. بنابراین رومیان ۱۰: ٤ میتواند به دو منظور ترجمه شود و هر دو در رومیان فصل ۱۰ امکان پذیر میباشند.

۱- <u>مسیح هدف شریعت است.</u>

الف) <u>مسیح هدف "عدالت از طریق ایمان" در عهد عتیق است.</u>
در متی ٥: ۱۷، عیسی مسیح خودش میگوید که نیامده تا شریعت و گفته های انبیا را منسوخ کند، بلکه تا آنها را به انجام رساند. او واعظی نبود که داستانهای جدیدی را بگوید که بر ضد و مخالف با مکاشفه عهد عتیق باشند. بلکه او این را تعلیم میداد که تمام مکاشفه عهد عتیق (شریعت و انبیاء) آمادگی برای ظهور او بودند، و بنابراین آنها هنوز کامل نبودند. او آمد تا مکاشفه عهد عتیق را کامل و تمام کند.
مکاشفه عهد عتیق، عادل محسوب شدن را نه با نگاه داشتن اعمال شریعت، بلکه با ایمان داشتن، بعنوان راهی برای نجات میآموخت (رومیان ۳: ۲۱؛ ٤: ۷-۸؛ ۱۰: ۹-۱۳؛ ۱۱: ۲۰، ۲۳؛ غلاطیان ۳: ٦-۲۲). اما، معلمین مذهبی یهود، از زمان برگشت از اسارت بابل، تا زمان آمدن عیسی مسیح، عهد عتیق را در زیر صدها تفسیر و قواعد ساخته شده بدست انسان دفن کردند. آنها این تفاسیر و قواعد سنتی خود را به راه رستگاری و نجات تبدیل کردند. آنان "عدالت از طریق ایمان" را به "عدالت از طریق شریعت" تبدیل کردند. این عیسی مسیح نبود، بلکه معلمین مذهبی یهود بودند که عهد عتیق را کنار زده و شریعت خود را جایگزین آن کردند (مرقس ۷: ۱-۱۳) عیسی مسیح آمد تا قصد و هدف مکاشفه عهد عتیق را احیا و برقرار کند و در واقع مکاشفه عهد عتیق را تکمیل کرده و به انجام رساند.

ب) <u>مسیح مکاشفه عهد عتیق را با روشهای زیر به انجام (کمال) رساند.</u>
۱) <u>بزرگترین نبی.</u> او تعلیمات مکاشفه عهد عتیق را پایان داد و معنای حقیقی شریعت را به پیش برد و خودش را بعنوان انجام تمثیلها و پیشگوییهای عهد عتیق نمایانگر کرد (لوقا ۱۸: ۳۱؛ ۲٤: ۲٥-۲۷، ٤٤). برای مثال، مسیح تمثیل عهد عتیق در مورد "بره بی عیب" که باید بعنوان کفاره گناه قربانی بشود را به انجام رساند (خروج ۱۲: ٤-٥؛ اشعیا ٥۳: ۷؛ یوحنا ۱: ۲۹؛ رومیان ۳: ۲٥؛ عبرانیان ۷: ۲٦: ۲۷). و مسیح نه تنها پیشگوئی ها در عهد عتیق بوسیله انبیای عهد عتیق را بیان کرد، بلکه آنها را نیز تکمیل کرد (اول پطرس ۱: ۱۰-۱۲). برای مثال مسیح پیشگوئی عمانوئیل (خدا با ما) را به کمال رساند (اشعیا ۷: ۱٤؛ متی ۱: ۲۳). به این طریق عیسی مسیح خودش را به عنوان بزرگترین پیغمبری که زیست کرده، معرفی کرد (تثنیه ۱۸: ۱٥، ۱۸-۱۹؛ اعمال رسولان ۳: ۲۲-۲۳).
۲) <u>بزرگترین کاهن.</u> او مطالبات یا ضروریات عهد عتیق را پایان داد. در طبیعت انسانیش، او زندگی کاملا نیکو و مقدسی بر روی این زمین داشت (عبرانیان ٤: ۱٥) و بنابراین فقط او توانست ضروریات شریعت اخلاقی خدا را به انجام رساند. او از مردم مراقبت میکرد (مزمور ۷۸: ۷۲) مردم را دوست داشت و برای آنها دعا میکرد (اشعیا ٥۳: ۱۲). سرانجام او بر روی صلیب مرد تا کفاره گناهان مردم شود (اشعیا ٥۳: ٥-٦؛ مزمور ٤۰: ٦-۸؛ عبرانیان ۱۰: ٥-۷). به این طرق عیسی مسیح خودش را به عنوان بزرگترین کاهن اعظمی که تاکنون بوده آشکار میکند (مزمور ۱۱۰: ٤؛ زکریا ٦: ۱۳).
۳) <u>بزرگترین پادشاه.</u> او پیشگوئی آمدن پادشاه را کامل کرد (پیدایش ٤۹: ۱۰)، پادشاهی که با حکومت ملوکانه خود، قومش را از سلطه دشمنانشان آزاد کرده و تا ابد بر آنها حکومت میکند (اول تواریخ ۱۷: ۱٤؛ اشعیا ۹: ۷؛ مکاشفه ۱: ٥؛ ۱۹: ۱٦). به این طریق عیسی مسیح خودش را به عنوان بزرگترین پادشاهی که تاکنون وجود داشته، نشان داد (اشعیا ۹: ۷؛ دانیال ۲: ٤٤).

در رومیان ۱۰: ٤ عیسی مسیح، هدف (به انجام رسیدن قصد) شریعت عهد عتیق است، تا برای هر که ایمان بیاورد عدالتی وجود داشته باشد. موسی شریعت و یا هدف عهد عتیق را اینچنین توصیف کرد: "کسی که (شریعت، مکاشفه عهد عتیق) را اجرا میکند، توسط آنها زندگی (زندگی جدید) خواهد داشت." هدف یا قصد شریعت عهد عتیق آماده کردن مردم برای آمدن اولیه عیسی مسیح و کار نجاتبخش او به عنوان نبی، کاهن و پادشاه، بود. این مردم را آماده میکرد که آنها بتوانند زندگی تازه داشته باشند، که همان زندگی محبت نمودن به خدا و به همسایه خود از طریق ایمان است (تثنیه ٦: ٥؛ لاویان ۱۹: ۱۸؛ متی ۲۲: ۳۷-۳۹). عیسی مسیح خودش مفهوم نهایی و محتوای ضروری کل مکاشفه عهد عتیق میباشد. فقط عیسی مسیح توانست، به طور تمام و کمال هر قسمت مکاشفه عهد عتیق را به انجام رساند. فقط عیسی مسیح توانست، به طور تمام و کمال ضروریات مطلق خدا برای عادل شمرده شدن (نجات) قومش، ضروریات مطلق خدا برای قدوسیت و شیوه مقدس زندگی قومش و استاندارد و معیار مطلق خدا برای داوری و محکومیتِ گناهان قومش را به انجام برساند. عیسی مسیح فقط توانست مطالبات نیک شریعت را کاملاً انجام دهد (۸: ٤). با مرگ و قیامش، عیسی مسیح تمامی ضروریات شریعت اخلاقی خدا (متی ٥: ۱۷-٤۸) و شریعت

تشریفاتی (عیدها و آیینها) خدا (افسسیان ۲: ۱۵؛ کولسیان ۲: ۱٤) را تکمیل کرده و به انجام رساند. بنابراین فقط او عدالت، قدوسیت، و آمرزش را برای قومش به ارمغان آورد (اول قرنتیان ۱: ۳۰) و او نجات و رستگاری ابدی آنها را تضمین کرد (عبرانیان ۵: ۸-۹).

پ) ابزار و هدف مکاشفه خدا.
هدف نهایی شریعت تشریفاتی عهد عتیق و مراسم و آیینها این بود که آمدن مسیح موعود، عیسی مسیح را نشان دهند. قوم اسرائیل و اعیاد تشریفاتی آنان فقط ابزار مکاشفه خدا بودند، و نه هدف نهائی مکاشفه خدا. از ابتدا خدا این قصد را داشت که ابزار مکاشفه به کناری برود و هدف مکاشفه، یعنی عیسی مسیح، جای آن را بگیرد. رومیان ۱۰: ٤ تعلیم میدهد که عیسی مسیح "پایان شریعت است" یا "هدف، معنا و جوهر شریعت است" (کلمه یونانی تِلوس، telos) وقتی عیسی مسیح آمد، اسرائیل به عنوان قوم خدا به هدف نهایی خود رسیدند.

ت) مژده انجیل و خبر خوش در دوره عهد عتیق.
رومیان ۳: ۲۱ و غلاطیان ۳: ۸ میگویند که مژده انجیل در دوره عهد عتیق موعظه شده است. محور مژده انجیل، مسیح موعود، عیسی مسیح است (اول قرنتیان ۱۵: ۱-٤). به عیسی مسیح در شریعت عهد عتیق از پیش خبر داده شده است. کولسیان ۲: ۱۷ میگوید که شریعت عهد عتیق "فقط سایه ای از آن «واقعیت» بودند که قرار بود بیاید، و آن واقعیت خود عیسی مسیح است." بنابراین وقتی قوم اسرائیل، شریعت را قبول کرده و آن را اطاعت کرد، عیسی مسیح را قبول کرده و اطاعت کرد.

ث) تمثیلها و نمونه های عهد عتیق در عهد جدید توضیح داده شده اند.
برای شناخت عیسی مسیح به عنوان هدف و جوهر شریعت عهد عتیق، ما باید خودمان را به نمونه ها در شریعت عهد عتیق که در عهد جدید توضیح داده شده اند، محدود کنیم، همانطور که این نمونه ها به عیسی مسیح اشاره میکنند.
۱) خون قربانیها در عهد عتیق، نشانه ای از خون عیسی مسیح است.
در عبرانیان ۹: ۱۲-۱٤ میخوانیم "او یکبار برای همیشه به مقدس ترین جایگاه وارد شد و خون قربانی را بر تخت رحمت پاشید، اما نه خون بز یا گوساله، بلکه خون خود را، که با آن نجات ابدی ما را فراهم شاخت." و اول یوحنا ۱: ۷ میگوید "خون عیسی، فرزند خدا، ما را از هر گناه پاک میسازد."
۲) قربانی ها در عهد عتیق، نمونه ای از قربانی مسیح بر روی صلیب بودند.
در عبرانیان ۱۰: ۱-٤ می خوانیم که شریعت تشریفاتی (عیدها) در عهد عتیق، فقط "سایه ای از آن واقعیت که قرار بود بیاید"، بودند. قربانی ها در عهد عتیق، سال به سال تکرار میشدند، ولی هرگز نمیتوانستند مردم را کامل کنند. پرستندگان بطور واقعی پاک نشده و هنوز برای گناهشان احساس تقصیر میکردند. معنا و هدف اصلی قربانی ها در عهد عتیق این بود که مردم متوجه گناهانشان بشوند و به آنها ثابت شود که گناهکار هستند. کتاب مقدس تعلیم میدهد که این غیر ممکن است که خون گاو و گوسفند بتواند گناهان را پاک سازد. عبرانیان ٦: ۲٦ و ۱۰: ۱۰-۱۸ تعلیم میدهد که قربانی عیسی مسیح بر روی صلیب، یک بار و برای همیشه گناهان را پاک میکند، گناهان را میبخشد و ایمانداران را تا ابد کامل و مقدس میکند. بعد از قربانی عیسی مسیح که یک بار برای همیشه انجام شد، دیگر قربانی وجود ندارد. قربانی او بروی صلیب پایان تمام قربانی ها در دنیا است.
۳) روز کفاره در دوره عهد عتیق، نمونه ای از کفاره مسیح است.
در اول یوحنا ٤: ۱۰ کتاب مقدس به ما تعلیم میدهد که "اینست محبت واقعی، ما او را محبت نکردیم، بلکه او ما را محبت کرد و یگانه فرزندش را فرستاد تا کفاره گناهان ما شود." کلمه "کفاره" یعنی مرگ مسیح بر صلیب، خشم مقدس و عادلانه خدا را بر علیه هر گناه و ناعدالتی خاموش کرد، عضب خدا را از ایمانداران برداشت و گناهان گناهکار را از او گرفت.

۲- مسیح پایان شریعت است.
الف) عیسی مسیح، آخر یا پایان "عدالت توسط حفظ شریعت" یهود است.
اگر ما کلمه یونانی "تِلوس، telos" را به "آخر یا پایان" ترجمه کنیم، با یک شیوه دیگر به کار عیسی مسیح نگاه میکنیم. دراینصورت نه تنها کلمه "تِلوس" معنای دیگری دارد بلکه کلمه "شریعت" نیز معنای دیگری خواهد داشت. آنگاه کلمه شریعت باید به معنای "قاعده یا قانون" شناخته شود. بنابراین باید رومیان ۱۰: ٤ را اینطور متوجه شویم که "مسیح آخر یا پایان عدالت توسط شریعت (بدست آوردن عدالت و نیکی یا نجات توسط نگاه داشتن شریعت) است، برای اینکه عدالت توسط ایمان پدید آید" (توسط ایمان به عیسی مسیح، عدالت و نیکی یا رستگاری و نجات به ایمانداران داده میشود).
آنگاه پولس در مورد "هدف یا تکمیل" مکاشفه عهد قدیم بعنوان آمادگی برای نجات صحبت نمیکند، بلکه در مورد "آخر یا پایان" ضروریات رسمی خدا بعنوان ابزاری برای نجات سخن میگوید. پولس در مورد پایان شریعت به عنوان روش زندگی صحبت میکند، روشی که سعی میکند، نجات و رستگاری را با نگاه داشتن اعمال شریعت به دست آورد.

ب) مقایسه دید یهودی با تعالیم عهد عتیق.
این عهد عتیق نبود بلکه معلمین مذهبی یهود (مخصوصا در دوره بین اسارت و تبعید در بابل، تا آمدن اولیه مسیح) بودند که به مردم تعلیم میدادند که آنها میتوانند با نگاه داشتن شریعت، عادل به حساب بیایند (نجات پیدا کنند). یهودیان به وضوح، هدف خدا را با شریعت در عهد عتیق (به یک معنی شریعت اخلاقی و شریعت تشریفاتی خدا) اشتباه تفسیر کرده و تعلیم میدادند. پولس

مطلقا، جایگزین کردن شریعت به عنوان راهی برای نجات در عهد عتیق را با انجیل عیسی مسیح به عنوان راهی برای نجات در عهد جدید تعلیم نمیدهد. بلکه پولس نقطه نظر و دید یهودی که میگوید شریعت همراه با تعلیمات عهد عتیق راه نجات است را با عهد جدید که ایمان را بعنوان راه نجات معرفی میکند، مقایسه می نماید. پولس "قاعده و قانونمداری" یعنی بدست آوردن عدالت و نیکویی توسط نگاه داشتن اعمال شریعت را با "قاعده و اصل ایمان" که همان به دست آوردن عدالت و نیکی از راه ایمان است، مقایسه میکند. در کتاب رومیان، تأکید بر روی مقایسه "عدالت توسط شریعت"، آنچه یهودیان تعلیم میدادند، با "عدالت توسط ایمان"، که عهد عتیق و عهد جدید (انجیل) تعلیم میدهند، میباشد. بنابراین دومین تفسیر میتواند همان باشد که منظور پولس بود. پولس میگوید که عیسی مسیح، به شریعت گرایی خاتمه داد، یعنی آن روش زندگی که شخص سعی میکند، عدالت و نیکویی (نجات) را با نگاه داشتن اعمال شریعت به دست آورد. عیسی مسیح به برداشتها و تفاسیر غلط یهودیان و دیگر شریعت گرایان و مذهبها که راه رستگاری و نجات را از طریق انجام اعمال شریعت میدادند، خاتمه داد، برای اینکه بطور واضح استوار سازد که عدالت و نیکی، توسط کارها و اعمال شریعت بدست نمی آید بلکه به طور رایگان به کسانی داده میشود که به عیسی مسیح ایمان دارند.